



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۴

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثالث: الكنز)

مصادف با: ۱۷ رجب ۱۴۳۶

موضوع جزئی: مقام چهارم: نصاب خمس کنز

جلسه: ۱۰۹

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

در جلسه گذشته بحث به اینجا رسید که اصل نصاب در باب کنز معتبر است و این نصاب بیست دینار است. بحث در این بود که آیا دویست درهم یا اقل النصابین هم معتبر است یا نه؟

### مقایسه نظر امام (ره) در نصاب معدن و نصاب کنز

امام (ره) در تحریر می‌فرماید: اگر کنز طلا باشد نصابش بیست دینار و اگر نقره باشد نصابش دویست درهم و در غیر طلا و نقره به هر یک از این دو (بأیها کان) برسد در این صورت خمس واجب می‌شود. ظاهر عبارت این است که به هر کدام از بیست دینار یا دویست درهم برسد خمس واجب می‌شود.

ایشان در حاشیه بر عروة تقریباً همین عبارت را آورده‌اند. وی در ذیل عبارت مرحوم سید که نصاب کنز را بیست دینار ذکر کرده، نوشته است: «فی الذهب» یعنی این بیست دینار در طلا «و مأتی درهم فی الفضة و البلوغ الی احدهما فی غیرهما» و دویست درهم در نقره و اگر کنز غیر از طلا و نقره باشد، به یکی از این دو که رسید خمس واجب می‌شود.

این عبارت‌ها ظهور در این دارد که در غیر طلا و نقره به هر یک از این دو قیمت برسد خمس واجب می‌شود بلوغ الی احدهما یعنی به هر کدام که زودتر برسد و این قهراً همان اقلهما قیمة می‌شود. مثلاً فرض کنیم بیست دینار معادل هزار تومان و دویست درهم معادل هشتصد تومان است؛ قهراً اگر کنز غیر از طلا و نقره باشد (مثلاً مس باشد) و قیمت آن هشتصد تومان باشد در این صورت خمس آن واجب است. پس طبق این عبارت در غیر طلا و نقره ملاک اقلهما قیمة است یعنی اقل از یکی از بیست دینار یا دویست درهم. اگر ارزش بیست دینار کمتر بود به بلوغ به بیست دینار خمس واجب می‌شود و اگر ارزش دویست درهم کمتر بود به بلوغ به دویست درهم خمس واجب می‌شود.

مرحوم سید در اینجا فقط همان بیست دینار را ذکر کرده و دویست درهم یا اقلهما قیمة را نگفته، ایشان یک ملاک داده که نصاب کنز بیست دینار است و فرقی هم بین طلا و نقره و غیرهما نگذاشته است. بر همین اساس بعضی از بزرگان بر کلام ایشان تعلیقه‌ای دارند که مبنای آن این است که چرا مرحوم سید دویست درهم را بیان نکرده و چرا بین طلا و نقره و غیر طلا و نقره تفکیک نکرده است. نظیر همین تعلیقه‌ها را در عبارت سید درباره نصاب معدن دارند. عبارت مرحوم سید در مورد معدن این بود: «بلوغ ما اخرجہ عشرین دیناراً»؛ یعنی خمس در معدن واجب است زمانی که به بیست دینار برسد. از جمله کسانی که در باب معدن به سید اشکال کرده، امام (ره) است. تعلیقه امام در باب معدن این است: «او مأتی درهم عیناً

او قيمة على الاحوط و اذا اختلفا في القيمة يلاحظ اقلهما قيمة على الاحوط؛ بیست دینار یا دو بیست درهم، عیناً یا قيمةً على الاحوط و اگر بین بیست دینار یا دو بیست درهم اختلاف قیمت بود اقلهما قيمةً ملاک قرار می‌گیرد.

امام در باب معدن بین طلا و نقره فرقی نگذاشتند به اینکه بیست دینار ملاک برای معدن طلا باشد و دو بیست درهم ملاک برای معدن نقره باشد و اقلهما قيمةً برای غیر طلا و نقره بلکه ایشان یک ضابطه کلی دادند (بیست دینار یا دو بیست درهم) لکن در مورد دو بیست درهم احتیاط کرده و فرمودند: «على الاحوط».

شاید سؤال شود که علت اینکه در معدن امام (ره) احتیاط کرد چه بود در حالی که اینجا (در باب کنز) ما این احتیاط را نمی‌بینیم. در باب کنز ایشان در مورد دو بیست درهم احتیاط نکرده است ولی در باب معدن برای ذکر دو بیست درهم احتیاط کرده است.

شاید وجهش این باشد که مستند اعتبار نصاب خمس در باب معدن صحیحه بزنی است. طبق این صحیحه راوی سؤال می‌کند: «سألته عما اخرج المعدن من قليل او كثير هل فيه شيء؟» امام (ع) فرمود: «ليس فيه شيء حتى يبلغ ما يكون في مثله الزكاة عشرين ديناراً»؛ در این صحیحه تصریح به عشرين دینار شده و امام که دو بیست درهم را على الاحوط ذکر کرده‌اند چون بیست دینار به صراحت در روایت آمده و دو بیست درهم نیامده است. بر همین اساس فرمود یا بیست دینار یا دو بیست درهم على الاحوط. پس در باب معدن چون مستند اعتبار نصاب روایت بزنی بود و در روایت بزنی صراحتاً «عشرين ديناراً» ذکر شده، لذا امام احتیاطاً دو بیست درهم را اضافه کرده‌اند. ولی دیگر فرقی بین معدن طلا و نقره نگذاشتند. امام فرمودند بیست دینار برای معدن طلا و دو بیست درهم برای معدن نقره و اقلهما قيمةً برای غیر آنها. بلکه به صورت کلی فرمودند: «او مأتی درهم عیناً او قيمةً على الاحوط و اذا اختلفا في القيمة يلاحظ اقلهما قيمةً على الاحوط».

اما در باب کنز اولاً بین نصاب طلا و نصاب نقره فرقی گذاشتند به اینکه بیست دینار در طلا و دو بیست درهم در نقره و در غیر این دو اقلهما قيمةً را ملاک قرار دادند و ثانیاً در مورد دو بیست درهم احتیاط نکردند به خلاف باب معدن. شاید وجه اینکه در مورد دو بیست درهم به صورت احتیاطی فرموده، این باشد که در صحیحه بزنی مربوط به کنز اشاره‌ای به خصوص عشرين دینار نشده و کلی فرموده «ما يكون في مثله الزكاة»، در کنز هم خمس واجب می‌شود. لذا دیگر جایی برای احتیاط دو بیست درهم نیست.

#### نظر محقق بروجردی

نظیر همین مسئله را مرحوم آقای بروجردی هم فرموده‌اند. ایشان یک احتیاطی در باب معدن کرده‌اند و همان احتیاط را در باب کنز دارند بلکه می‌گویند اشکال در باب کنز اشدّ از باب معدن است. عبارت ایشان در باب معدن در ذیل عبارت سید این است: «الاحوط فيه اخراج الخمس اذا بلغ قيمته نصاب احد التقدين في الزكاة ذهباً كان المعدن او فضة او غيرهما». ایشان می‌گویند دلیلی ندارد خصوص عشرين دیناراً را ملاک برای نصاب معدن قرار دهیم. احوط آن است که خمس معدن واجب می‌شود هر گاه قیمت معدن به نصاب یکی از تقدین در باب زکات برسد (یا بیست دینار یا دو بیست درهم). فرقی هم نمی‌کند که معدن، معدن طلا باشد یا نقره. ایشان ملاک را اقلهما قيمةً قرار داده و این نظیر احتیاط امام است چرا که امام هم در باب معدن فرمودند یا بیست دینار یا دو بیست درهم و اگر قیمتشان فرق داشته باشد اقلهما قيمةً.

اما حاشیه آقای بروجردی در باب کنز این است: «الاحتیاط السابق فی المعدن جارِ هنا ایضاً بل الاشکال هنا اشدّ»؛ می‌فرماید: همان احتیاطی که آنجا کردیم، اینجا اشکال شدیدتر است. احتیاط ایشان در باب معدن این بود که اقلهما قیمة ملاک قرار بگیرد و فرقی هم بین طلا و نقره نیست. همان احتیاط اینجا هم هست.

اینجا اشکال اشدّ از آنجا است به خاطر اینکه در صحیح بزنطی مرتبط به باب کنز حتی اشاره به عشرين دینار هم نشده اما در صحیح مربوط به باب معدن عشرين دینار ذکر شده بود بنابراین ملاک می‌شود همان چیزی که در باب زکات است. یا بیست دینار یا دویست درهم.

پس سه مطلب اینجا بیان شد:

اول اینکه چرا امام در باب معدن دویست درهم را از باب احتیاط فرمود ولی اینجا دویست درهم را احتیاطاً فرمود.

دوم اینکه چرا به نظر مرحوم آقای بروجردی اشکال در باب کنز شدیدتر از اشکال در باب معدن است.

سوم اینکه امام (ره) در باب معدن بین معدن طلا و نقره فرقی نگذاشت و فرمود اگر معدن به بیست دینار یا دویست درهم یا اقلهما قیمة برسد خمسش واجب است. اما اینجا تصریح کرده‌اند کنز و گنج اگر طلا باشد و به بیست دینار برسد خمس آن واجب است و اگر نقره باشد دویست درهم نصاب آن است و اگر غیر طلا و نقره باشد، اقلهما قیمة. درست است که کلمه اقل نیاورده (در حاشیه عروه نوشته‌اند: «والبلوغ الی احدهما فی غیرهما») اما بلوغ به احدهما همیشه همان اقلهما قیمة می‌شود. در متن تحریر هم کلمه اقل نیامده بود ولی این انطباق قهری می‌شود که ملاک همان اقل است.

#### **بررسی نظر امام (ره)**

حال آیا این به نظر شما صحیح است؟ آیا وجهی برای این تفکیک است که بین کنز طلا و کنز نقره ما فرق بگذاریم و نصاب را در طلا بیست دینار و در نقره دویست درهم قرار دهیم؟ آیا امام (ره) در باب معدن واقعاً بین طلا و نقره فرق گذاشته‌اند و مطلق معدن را ذکر کرده‌اند؟ ظاهر عبارت این است چون نگفته که معدن اگر طلا باشد فلان مقدار و اگر نقره باشد فلان مقدار. پس چرا در اینجا فرق گذاشته‌اند؟

به نظر می‌رسد وجهی برای این فرق وجود ندارد یعنی این تفصیلی که امام هم در تحریر دارند و هم در حاشیه عروه که بیست دینار در مورد کنز طلا است و دویست درهم در مورد کنز نقره وجهی ندارد. در صحیح بزنطی سؤال از مقدار نصاب کرده و پاسخ امام هم مقدار است. درست است در زکات بیست دینار برای طلا و دویست درهم برای نقره است ولی مسئله این است که متعلق زکات در باب طلا و نقره فقط طلا و نقره مسکوک است. یکی از موارد تعلق زکات تقدین است یعنی طلا و نقره مسکوک (طلا و نقره مطلقاً زکات ندارد؛ مثلاً الآن سکه‌هایی که مردم خرید و فروش می‌کنند زکات ندارد). آن سکه‌ای متعلق زکات است که با آن معامله می‌شود. (این سکه‌ها امروزه خودش جنس است و خرید و فروش می‌شود یعنی خودش مبیع و مثنی است لذا اینها متعلق زکات نیست).

اگر امام معصوم (ع) فرمودند اگر به مقداری که در آن زکات واجب می‌شود برسد، خمس کنز واجب می‌شود. مقدار زکات در طلا و نقره بیست دینار یا دویست درهم است اما اینکه ما خصوصیت بیست دینار را برای کنز طلا و دویست درهم را برای کنز نقره بخواهیم استفاده کنیم، از این روایت استفاده نمی‌شود. این فرقی با معدن ندارد و هر دو رکاز حساب می‌شود.

اگر قرار باشد تفکیک قائل شویم پس در باب معدن هم باید همین حرف را بزنیم و بگوییم نصاب معدن طلا بیست دینار و نصاب معدن نقره دو بیست درهم و در غیر آنها اقلهما قیمة ملاک است.

پس وجهی برای این فرق به نظر نمی‌رسد مگر اینکه بگوییم در باب معدن هم نظر امام همین است که اگر معدن طلا بود نصابش بیست دینار است و اگر نقره بود دو بیست درهم و اگر غیر اینها بود اقلهما قیمة ولی این با ظاهر عبارت امام نه در تحریر و نه در حاشیه عروة سازگار نیست.

بنابر این به نظر ما در مجموع در باب کنز ملاک همان بیست دینار یا دو بیست درهم است در صورتی که قیمتشان یکی باشد و اگر قیمتشان متفاوت باشد اقلهما قیمة ملاک است و وجهی برای تفصیل بین کنز طلا و کنز نقره نیست. این اشکالی است که در اینجا متوجه امام (ره) است.

**بحث جلسه آینده:** بحث بعد مقام پنجم است که درباره ما یلحق بالکنز است. مثل چیزهایی که در شکم یک حیوان (سکه، مروارید) پیدا می‌شود که در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد إن شاء الله.

### اسارت لازمه‌ی افشای سرّ

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «سِرُّكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ»؛ سرّ شما اسیر شما است یعنی در بند و تحت اختیار و فرمان شما است. وقتی سرّ و رازی افشا نشده معنایش این است که در حبس و بند است اما وقتی افشا و آشکار می‌شود شما اسیر آن می‌شوید. چون وقتی سرّ آشکار شد، قهراً همیشه باید مراقب بود که مباد این راز توسعه پیدا کند و بر ملا شود. برای اینکه جلوی توسعه بیشتر سرّ را بگیرد ناچار است باج بدهد.

البته اینکه چه چیزی سرّ است بحث دیگری دارد ولی اجمالاً سرّ یعنی آن چیزی که صاحب سرّ مایل به کشف و افشاء آن نیست. سرّ یک چیز پنهانی است که در خزانه دل و قلب و فکر انسان است. گاهی بعضی از افراد در صحبت کردن به ادنی مناسبتی سرشان را برای دیگران فاش می‌کنند مخصوصاً برای کسانی که اهلیت ندارند. یک موقع کسی در مقام مشورت و برای رهایی از استیصال و درماندگی، سرّی را به کسی می‌گوید اما اطمینان دارد که او امانت دار است و اهل افشاء نیست این یک بحث دیگر است، اما اینکه به ادنی مناسبتی به هر کسی سرّ و راز را فاش کند از زمان افشاء سرّ، دیگر صاحب سرّ که تاکنون زندانبان سرّ بود، خودش می‌شود زندانی سرّ و آن گونه که دیگران و افشاکننده سرّ می‌خواهد باید رفتار کند. اگر انسان زندانی شود خیلی سخت است. چون ذاتاً و فطرتاً حر و آزاد آفریده شده و هر چیزی که این حریت و آزادی را از انسان سلب کند با روح انسان سازگار نیست. مثلاً اگر کسی بخواهد برای خوشایند دیگری حرفی بزند و یا برای وصول به مقام و ریاست بخواهد کاری را بکند در حقیقت اسیر است. باید مواظب بود که سرّ تا زمانی که سرّ است اختیارش دست انسان است و زمانی که فاش شد اختیار انسان در دست اوست. اگر هم زمانی مجبور شدید سرّتان را برای کسی بگویید به هر کسی نگویید.

«الحمد لله رب العالمین»